اخرین

گر بخواند در اولین نماز / اقتدا کرد آن مسافر باز
نیست جایز هم اقتدای او / با تو دلیلهای گویم او
گفت قاضی در آخرین نماز / بمحل ادا رود او باز
از قرائت که خالی ماند این دو / ناروا گفته است از این رو
در دو گانه سه گانه است نماز / اندر اینجا نوشته است جواز
اینهمه وجه از مقیمین مرد / بمسافر بغیر وقت که کرد
در فتاوی کافی هم بیقین / چون دلیل همین کند تعیین
لیک بنوشت از دو گانه نماز / از سه گانه هم او نگفتی باز
گفت بعد از خروج شهرت / فرض او چهار شد به تبعیت
آنچه گفتند میکنم تقریر / اوست داننده تر ز تقصیر
در شریعت کس مسافر کیست / حکمهای نماز ایشان چیست
این مسایل اگر خدا خواهد / در نماز مسافران آید
حکم مسبوق اینچنین لاحق / زود آید مدد کند خالق
بنده کانیکه زیر سر خشتند / در کتاب خلاصه بنوشتند
چند فعل امام گر ز امام / ترک شد ترک میکنند اقوام
گر نخواند قنوت امام / قوم هم میکنند ترک آن
نیز تکبیرهای هر دو عید / ترک شد قوم ترک باید دید
یا شود ترک قعده اولی / قوم هم میکنند ترک او را
آیت سجده را اگر خواند / نکند سجده قوم هم ماند
اینچنین کرده بود سهو امام / کرد آنجا نماز خویش تمام
سجده سهو هم بجا نا ورد / قوم هم نیز ترک باید کرد
چند موضع بود امامی اما / گر کند ترک قوم راست اولی
سجده را اگر زیاد او کرد / مقتدی تبعیت نباید کرد
گفت تکبیر عید امام زیاد / مقتدی بهوش سامع باد
از اقاویل حضرت اصحاب / نه برآید به تبعیت دریاب
از اقاویلشان برآید وی / نشود تابع این شریعت طی
در نماز جنازه پنج کرت / گفت تکبیر نیست تبعیت
قعده آخرش نشست امام / بعد از آن خیست ساهیا بقیام
مقتدی در جلوسش بنشیند / یعنی آنجا امام را بیند
گر مقید بسجده دیگر / نشد آن وقت باز گشت اگر
چون نشست امام داد سلام / همره او کند نماز تمام
گر مقید بسجده گشت امام

مقتدی

مقتدی خود کند ادای سلام / گر نه بنشست امام با چهارم
خیست سهوا برکعت پنجم / به تشهد شود مقید این
باز بدهد سلام بالتعیین / گر مقید بسجده گشت امام
گفت فاسد شود نماز تمام / چند اشیاست گر امام نساخت
مقتدی بایدش بپرداخت / او به تکبیر افتتاح دو دست
گر نه برداشت مقتدی را هست / گر نخواند ثنا که سنت امام
قوم لیکن ثنا کنند تمام / لیک در فاتحه و در سوره
شده است اختلاف مشهوره / ترک تکبیر انتقال از آن
گر شود گویند مقتدیان / ترک تسبیح اگر بکرد امام
قوم تسبیح را کنند تمام / سمع الله اگر نگوید آن
می بگوید ولیک مقتدیان / التحیات اگر ازو ماند
بدرستیکه قوم میخوانند / مانده باشد سلام اگر ز امام
قوم در آنمحل دهند سلام / ترک تکبیر کرده در تشریق
قوم میگویند بالتحقیق / مقتدی در دم رکوع سجود
یعنی تسبیح سه نگفته بود / کرد آندم امام رفع سر
مقتدی چون کنند بسا زجر / بزرگ وقت شاخ او را
کرد از خانه ذخیره یاد / نزدیک چند عالمان عظام
گفت تسبیح را کنند تمام / چونکه تسبیح گفتنش سه بار
فرض باشد بنزد بعضی یار / لیک قول صحیح این هنگام
میکند او متابعت با امام / چونکه تسبیح سنت است یقین
هست واجب متابعت بیقین / لیک این شارح طریق نورد
از کبیری خانیه آورد / التحیات مقتدی میخواند
پاره خواند پاره او ماند / خیست بار کعت ثلاث امام
خیزد او مقتدی بکرده تمام / اینچنین است در اخیر نماز
مقتدی بود در تشهد باز / این تشهد نکرده بود تمام
میدهد همره امام سلام / داد آندم امام خویش سلام
پس ادا ساخته تشهد این / می بگوید سلام بالتعیین
گر نکرده بود درود تمام / میدهد همره امام سلام
هم ز دعوات مانده چون این است / بدلیل تمام تعیین است
چون مؤذن بگفت قد قامت / که بخیزد امام قوم اینجا
پس تو باب اذان اقامت بین / بتفاصیل و رو شده تعیین
گر مصلی است مقتدی ای پیر / گوید او در کدام دم تکبیر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)